

بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت سیزدهم - 17 / تیر / 1403

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

والحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهر گرامی. این جلسه، طبق معمول همه‌ی دولتهای دیگر، جلسه‌ی تشکر بنده از مسئولین و دوستان و اعضای دولت است. البته جای آقای رئیسی عزیزمان خالی است؛ ولی خوب طبق اعتقادات ما، ارواح طیبه‌ی مؤمنین، بخصوص شهدا، ناظرند، حاضرند، می‌بینند، می‌شنوند؛ در واقع، ایشان هم از تشکر ما و از قدردانی ما از ایشان مطلع میشوند.

جلسه برای تشکر است و امیدواریم ان شاء الله خدای متعال از شماها این زحماتتان را قبول کند. و آنچه انجام دادید یک طرف، آنچه نیت انجامش را هم داشتید یک طرف؛ آن هم همین جور اهمّیت دارد؛ یعنی تصمیم شما این بود که در ادامه‌ی دولت، کارهایی را، برنامه‌هایی را اجرا کنید؛ آنها هم پیش خدای متعال اجر دارد. ان شاء الله خداوند شماها را موفق بدارد و کمکتان کند که بتوانید استمرار بدهید این خدمات را. البته طبعاً تشکیلات دولت تغییراتی خواهد داشت، شکی نیست؛ لکن خدمتگزاری افراد نباید فقط در چهارچوب این عناوین مشخص مدیریتهای خاص باشد؛ باید در همه‌ی شرایط، در همه‌ی موارد، آماده باشند برای کار و خدمتگزاری. و خدمت کنید به کشور، کار کنید برای کشور و میتوانید الحمدلله.

دولت مرحوم آقای رئیسی (رضوان الله علیه) دولت کار بود، دولت امید بود، دولت حرکت در بخشهای داخلی و خارجی بود. اگرچه این عناوین را شاید خود ایشان یا اعضای دولت به کار نمیبردند، اما عملاً این جور دیده میشد و فهمیده میشد؛ ایشان واقعاً امیدوار بود، واقعاً خوش‌بین بود به آینده - البته حق هم با ایشان بود - و تصمیم داشت که به آن هدفها خودش را برساند با همکاری شماها. من یک مطلب درباره‌ی خصوصیات مرحوم آقای رئیسی (رضوان الله علیه) که در ذهنم برجسته است عرض میکنم. البته آقای مخبر انصافاً خیلی خوب بیان کردند؛ بسیاری جوانب مهم را ایشان ذکر کردند، بنده هم چند مورد را عرض میکنم.

به نظر من یکی از مهم‌ترین خصوصیات آقای رئیسی مردمی بودن بود. برای همه‌ی ماها، برای دولتها و رؤسای دولتها، برای اعضای دولتها، این باید الگو باشد. ایشان به مردم اعتنا میکرد، برای مردم احترام قائل بود، در بین مردم حضور پیدا میکرد، لمس میکرد حقایق را با حضور در میان مردم، حرفهای آنها را می‌شنید و نیازهای آنها را محور برنامه‌ریزی‌های خودش قرار میداد؛ ایشان این جوری بود. محور برنامه‌ریزی‌ها و اقدامها و کارها و شاخصهایی که مورد نظر ایشان بود، حل مشکلات مردم بود. حالا ممکن بود بعضی به نتیجه برسد، بعضی نرسد، اما محور کارهای ایشان اینها بود؛ آنچه ما همیشه در مذاکرات جلساتمان با آن مواجه بودیم.

این درست همان چیزی است که مورد نظر اسلام است؛ یعنی با مردم بودن. در این نامه‌ی معروف و فرمان معروف امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر، ایشان میفرمایند بهترین و محبوب‌ترین کارها در نزد تو باید این چند چیز باشد؛ دو سه چیز را ذکر میکنند، از جمله: اجمعهَا لِرَضَى الرَّعِيَّةِ؛ محبوب‌ترین کارها در نظر تو باید آن کاری باشد که مایه‌ی خشنودی توده‌های مردم است؛ دنبال این باش. مراد از «رعیت» - که گاهی در کلمات امیرالمؤمنین تعبیر میشود به «رعیت»، گاهی تعبیر میشود به «عامه» - توده‌ی مردم است در مقابل نورچشمی‌ها،

که حضرت از آن مجموعه‌ی نورچشمی‌ها و آن ویژه‌خوارها تعبیر میکنند به «خاصه». می‌گویند بهترین کارها و محبوب‌ترین کارها آن است که مورد نظر توده‌ی مردم باشد، آنها را خشنود کند، آنها را راضی کند، هماهنگ با رضایت آنها باشد.

بعد، در دو سه فقره بعد می‌فرمایند: وَ اِثْمَا عِمَادُ الدِّينِ وَ جِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ الْعِدَّةُ لِلْاَعْدَاءِ الْعَامَّةِ مِنَ الْاُمَّةِ ؛ (۲) آن که به درد تو می‌خورد در مقابل دشمن، آن که می‌تواند وحدت ایجاد کند، یکپارچگی به وجود بیاورد در کشور، همین توده‌ی مردمند ؛ اینها هستند که اگر باهم باشند، کشور یکپارچه میشود ؛ و الا نورچشمی‌ها هر کدام انگیزه‌های خودشان را دارند، برای خودشان کار میکنند. طبعاً اهواء (۳) وقتی که متخالف بود، با همدیگر برخورد میکند - در این شکی نیست - یعنی «اجتماع» اصلاً دیگر معنا پیدا نمیکند. اما مردم چرا ؛ آحاد مردم، توده‌ی مردم، میتوانند اجتماع کنند و عده‌ی للاء [باشند] ؛ برای مواجهه‌ی با دشمن، در هر میدانی، مردم به کار می‌آیند.

حالا حضرت در دنباله‌اش حرفهای خیلی جالبی دارند که من در جلسات نهج‌البلاغه که برای دوستان دولتی در طول سالها گاهی داشتم، یک تکه‌هایی از اینها را شرح کرده‌ام. حضرت می‌گویند این نورچشمی‌ها از همه توقعشان بیشتر است، از همه صبرشان کمتر است، از همه کمکشان ضعیف‌تر و ناقابل‌تر است ؛ وقت توقع از همه بیشتر توقع دارند، وقتی که بنا است یک کاری ارائه بدهند از همه کمتر وارد میدان میشوند، وقتی جنگی پیش بیاید حضورشان محسوس نیست ؛ بر خلاف توده‌ی مردم که خب نمونه‌هایش را دیگر همه‌ی شماها دیده‌اید در میدان دفاع مقدس، در دفاع حرم و دیگر امور. ببینید، این یک خطّ روشنی است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) ترسیم کرده‌اند. آقای رئیسی این خط را حرکت میکرد، دنبال این بود ؛ این خیلی باارزش است، این خیلی خوب است، این واقعاً الگو است، باید همه‌ی ماها یاد بگیریم این کار را. این یک نقطه از نقاط ویژه‌ی ایشان بود.

نقطه‌ی دوّم این بود که ایشان به توانایی‌های داخلی واقعاً اعتقاد داشت. خب ما با خیلی از مسئولین در نشست‌وبرخاست‌ها روی این مسئله‌ی توانایی‌های داخلی و ظرفیتهای داخلی در موارد متعدّد صحبت میکنیم، هیچ کس از آنها هم مخالفت نمیکند، اما آدم می‌فهمد چه کسی عمیقاً و از بن دندان به این توانایی‌ها باور دارد، چه کسی نه. ایشان واقعاً باور داشت ؛ یعنی قبول داشت که ما خیلی از مشکلات کشور را یا اکثر مشکلات کشور را یا به یک صورت همه‌ی مشکلات کشور را میتوانیم با تکیه‌ی به ظرفیتهای داخلی حل کنیم ؛ و لذا دنبال این کارها هم بود. این از خطوط مهم و اصلی‌ای [بود] که ایشان دنبال میکرد.

یک نقطه‌ی برجسته‌ی دیگری که در ایشان وجود داشت صراحت در اعلام مواضع انقلابی و دینی بود. دوپهلو حرف زدن و ملاحظه‌ی این را کردن که اگر ما مواضع انقلابی‌مان را صریح بیان کنیم، فلان آدم، فلان دسته، فلان شخصیت ممکن است ناراحت بشوند، این ملاحظات را ایشان نداشت ؛ یعنی مواضع انقلابی خودش را، همان که به آن معتقد و پایبند بود، ایشان صریح بیان میکرد. در اوّلین مصاحبه‌ای که ایشان کرد، از او راجع به ارتباط با فلان کشور پرسیدند که شما ارتباط برقرار میکنید، ایشان گفت خیر! صریح ؛ یعنی بی هیچ ملاحظه و حاشیه و لابه‌لا [چیزی گفتن] ؛ خیر، ایشان صریح بود. در همه‌ی موارد، آن جور که ما دیده بودیم، ایشان همین جور بود.

خصوصیت دیگر ایشان که خب این را همه میدانند، همه می‌فهمند و دیده‌اند، خستگی‌ناپذیری از کار بود. من مکرّر ایشان را توصیه میکردم به اینکه یک قدری استراحت کند. مثال می‌زدم از یک مواردی که [اشخاص] استراحت نکردند، بعد دچار مشکل شدند. می‌گفتم شما برای آینده‌ی کاری خودت هم که شده یک قدری استراحت کن، و الا یک وقت می‌افتی و دیگر نمیتوانی کار کنی! مکرّر [می‌گفتم]. ایشان همیشه می‌گفت من از کار خسته نمیشوم، واقعاً هم کاتّه خسته نمیشد ؛ آدم تعجب میکرد. نصفه شب از سفر خارجی برگشته، صبح در فلان نقطه‌ی مثلاً کرج یا فلان جا

با مردم دیدار عمومی دارد یا جلسه میگذارد برای مسائل مختلف! اینها کارهای خیلی مهمی است.

یک نقطه‌ی برجسته‌ی دیگر از ایشان، مایوس نشدن از زخم‌زبان‌ها بود. این نقطه‌ضعفِ خیلی از ماها است که تا یک کسی زبانش به انتقاد از ما میچرخد، فوراً یا دلمان میشکند یا اوقاتمان تلخ میشود یا بدمان می‌آید که چرا مثلاً از ما ناسپاسی شد، و از کار میمانیم؛ خیلی اوقات این جور است؛ همیشه دوست داریم از ما تعریف کنند. ایشان نه؛ زخم‌زبان هم زیاد به ایشان میزدند، [اما] مایوس نمیشد. البته نمیشود گفت که رنج نمیکشید؛ چرا، رنج هم میکشید، گاهی پیش بنده شکایت هم میکرد، لکن مایوس نمیشد و سرد نمیشد از کار کردن و دنبال‌گیری کردن. این هم یکی از خصوصیات برجسته‌ی ایشان بود.

یک نقطه‌ی برجسته‌ی دیگری که در ایشان وجود داشت این است که در سیاست خارجی دو خصوصیت را ایشان با هم و در کنار هم رعایت میکرد: یکی تعامل، یکی عزت‌مداری و عزتمندی. ایشان اهل تعامل بود. اینجا با فلان رئیس‌جمهور اروپایی گاهی یک ساعت یا یک ساعت و نیم تلفنی صحبت میکردند! واقعاً فرض کنید که یک ساعت و نیم مثلاً تلفنی حرف میزد. اهل تعامل بود، اما از موضع عزت؛ نه آن چنان تند و به اصطلاح دورکننده که [ارتباط] قطع بشود، نه بیخودی امتیاز دادن و دست پایین گرفتن و مانند اینها؛ نه، از موضع عزت، اما در عین حال با تعامل. این موجب شد که بعد از شهادت ایشان، من دیدم چند نفر از سران برجسته‌ی دنیا که حالا در دنیای امروز جزو چهره‌های برجسته و درجه‌ی یک محسوب میشوند، در پیامهایی که به بنده راجع به ایشان دادند از ایشان به عنوان یک چهره‌ی برجسته تمجید کردند؛ این خیلی مهم است؛ یعنی نه به عنوان یک سیاستمدار معمولی، [بلکه] به عنوان یک سیاستمدار برجسته از ایشان تعبیر کردند و اسم آوردند. به اصل ارتباط، ایشان عقیده داشت. ما سالها بود آفریقا را کنار گذاشته بودیم، با همه‌ی سفارشیایی که راجع به آفریقا میشد؛ ایشان با آفریقا ارتباط برقرار کرد، رفت و آمد کرد، تعامل کرد. [به ارتباط] با کشورهای گوناگون، با همه‌ی کشورهای که زمینه‌ی ارتباط با آنها وجود داشت و باید ارتباط برقرار میشد، ایشان معتقد بود و ارتباط برقرار میکرد. اولویتهای را در این زمینه رعایت میکرد؛ مثلاً یکی از اولویتهای همسایگی بود که ایشان به مسئله‌ی همسایگی اهمیت میداد.

یک نقطه‌ی دیگر ایشان – که آقای مخبر هم بحق اشاره کردند – اهتمام به طرحهای بزرگ بود. به طرحهای سنگین اهتمام داشت؛ مثلاً فرض کنید مثل همین انتقال آب از دریا به چند نقطه یا مثلاً در همین مسئله‌ی آب، انتقال آب از راه‌های دور به شهرهایی که مدتها بود در انتظار آب بودند؛ ایشان مسئله‌ی شرب اینها و کشاورزی اینها را حل کرد. طرحهای گوناگونی از این قبیل داشت. این هم یک نقطه‌ی برجسته در خصوصیات رئیس‌جمهور عزیزمان.

یک نکته‌ی دیگر هم منش اخلاقی ایشان بود؛ جداً متواضع بود، جداً بردبار بود. آدم صبوری بود، آدم بردباری بود، اهل مدارا بود با کسانی که اختلاف نظر داشتند؛ چه اختلاف نظری، چه اختلافات نظری‌ای که منتهی میشد به اختلاف عملی در عرصه. خب میدانید در اداره‌ی کشور این چیزها وجود دارد دیگر؛ ایشان می‌آمد به بنده هم میگفت، مطرح میکرد، مواردی را ذکر میکرد، اوقاتش هم تلخ میشد، اما در عین حال ایشان با آن طرفهای مورد نظر با مدارا رفتار میکرد. ایشان در یک موردی یک اختلافی با یک جایی داشتند، من گفتم شما اصلاً عکس‌العمل نشان ندهید؛ خیلی سخت بود برایش، [اما] اصلاً عکس‌العمل نشان نداد، یعنی واقعاً مدارا کرد؛ [در حالی] که اگر ایشان مثلاً این صبر و این تحمل را نداشت، بنا بود یک دعوای بزرگی در کشور راه بیفتد. ایشان این جور بود.

یک خصوصیت دیگر هم این است که ایشان اهل ذکر و توسل و دعا بود که ایشان (۴) [هم] اشاره کردند. حالا خصوصیات این دعاهایی را که ایشان گفتند من میدانم، اما میدانم ایشان اهل دعا بود، اهل ذکر بود، اهل توسل بود، اهل گریه بود و دلش روشن بود و قلباً با عالم غیب مرتبط بود؛ و همینها است که انسان را نجات میدهد، انسان

را پیش میبرد.

خدا ان شاءالله درجات ایشان را زیاد کند. من این موارد را گفتم برای اینکه اینها ثبت بشود به عنوان یک الگو؛ معلوم بشود کسی که رئیس قوه‌ی مجریه‌ی یک کشور است، میتواند مجموعه‌ی این خصوصیات عملی و فکری و قلبی و مانند اینها را با همدیگر داشته باشد و دنبال کند - میشود، میتواند - که ایشان بحمدالله داشت.

از آقایان وزرا هم تشکر میکنیم؛ همکاری کردید، تلاش کردید در طول این چند سال و کمک کردید به رئیس‌جمهور. اگر چنانچه همکاری دوستانش نبود، ایشان قطعاً نمیتوانست این امکانات را [فراهم بکند]. انسان، دست‌تنها نمیتواند این کارها را انجام بدهد؛ این احتیاج به مجموعه‌ای دارد که آن مجموعه شماها هستید و بحمدالله کمک کردید. بخصوص از شخص آقای مخبر من بایستی تشکر ویژه بکنم؛ هم به خاطر همکاری‌شان با آقای رئیسی در طول این سه سال - که البته یک روضه‌ی مفصل هم باید برای آقای مخبر بخوانیم [بابت] سختی‌هایی که ایشان کشید و مشکلاتی که ایشان تحمل کرد؛ واقعاً ایشان خیلی مشکل تحمل کردند، اما خوب همکاری کردند با مرحوم آقای رئیسی و با دولت - و هم برای این چهل پنجاه روز اخیر که ایشان در موضع «سرپرست ریاست جمهوری» حقاً و انصافاً خیلی خوب کار کردند، خوب تلاش کردند، کارها را دنبال گرفتند، دنبال کردند. اینکه گفته شده بود «تا روز آخر، همه‌ی کارها انجام بگیرد» را ایشان به معنای واقعی کلمه جدی گرفتند. شما دوستان هم همین‌طور؛ شما هم بحمدالله همه مشغول هستید، باز هم بایست تا همان لحظه‌ی آخر ادامه بدهید کارها را. این خصوصیات برای دولت‌ها، برای رؤسا، برای وزرا، همه الگو است؛ ان شاءالله که از این الگو همه استفاده کنند، همه‌ی ما استفاده کنیم، بنده هم استفاده کنم.

من در پایان، یک بار دیگر از مردم به خاطر انتخابات (۵) تشکر میکنم. از مسئولین دولتی و وزارت کشور و صداوسیما و نیروهای انتظامی و مراقبت امنیتی به خاطر برگزاری خوب این انتخابات، بنده صمیمانه متشکرم. همه کار کردند، همه تلاش کردند و بحمدالله محصول تلاش این شد که یک انتخابات سراسری بی‌حادثه رخ داد؛ این خیلی مهم است. در اغلب جاهای دنیا - حالا نمیگوئیم همه جا؛ ما از همه جا خبر نداریم - با اختلافات سیاسی و نظری‌ای که وجود دارد، انتخابات غالباً با دعوا و با یقه‌گیری و با زدن و احیاناً کشتن و امثال اینها همراه است؛ اینجا بحمدالله با امنیت این کار انجام گرفت. این هنر شماها بود که توانستید این انتخابات را به بهترین وجهی به انجام برسانید.

رسم ما این است که در این دیدار آخر، به هر کدام از آقایان یک جلد کلام‌الله مجید هدیه میکنیم؛ این را هم من هدیه میکنم به جناب آقای مخبر. خدا ان شاءالله حفظتان کند، خدا ان شاءالله همه‌ی شما را موفق بدارد و مؤید بدارد و کمکتان کند.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، آقای محمد مخبر (سرپرست ریاست جمهوری) مطالبی بیان کرد.

(۲) نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳

(۳) آرزوها، خواستها

(۴) آقای محمد مخبر

(۵) انتخابات چهاردهمین دوره‌ی ریاست جمهوری که در دو مرحله در هشتم و پانزدهم تیرماه سال جاری برگزار شد.